



شعور تاریخی عماری ایرانی

دکتر سیدموسی دیباج

دیباچ، سید موسی، ۱۳۳۵-

شعور تاریخی معماری ایرانی / سید موسی دیباچ. - تهران: دفتر پژوهشهای فرهنگی، ۱۳۹۵.
۲۹۰ ص.: مصور. - (فرهنگ و معماری: ۲۸)

ISBN: 978-964-379-372-2

فهرست نویسی براساس اطلاعات فیبا

کتابنامه: ص. ۲۶۹-۲۹۰؛ همچنین به صورت زیرنویس.

۱. معماری - ایران - تاریخ. الف. دفتر پژوهشهای فرهنگی. ب. عنوان.

۷۲۰/۹۵۵

NA ۱۴۸۰/د ۹ ش ۷ ۱۳۹۵

کتابخانه ملی ایران

۴۱۸۹۴۰۱

ISBN: 978-964-379-372-2

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۳۷۹-۳۷۲

• شعور تاریخی معماری ایرانی

• دکتر سیدموسی دیباچ

• Historical Consciousness of Iranian Architecture

• Musa S. Dibadj (Ph.D.)

• عکس روی جلد: رعنا جواد

• ویراستار: نسیم اسدی

• طراح جلد و صفحه آرا: فریده داورزنی

• شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه چاپ اول: ۱۳۹۵

همه حقوق محفوظ است. هرگونه تقلید و استفاده از این اثر به هر شکل بدون اجازه کتبی دفتر پژوهشهای فرهنگی ممنوع است.



دفتر پژوهشهای فرهنگی

مراکز اصلی پخش و فروش:

• دفتر و فروشگاه مرکزی: تهران، خیابان کریم خان زند، خیابان ایرانشهر شمالی، کوچه باقری قصرالدشتی، شماره ۵.

کدپستی: ۱۵۸۴۷۴۷۹۱۳

صندوق پستی: ۱۵۸۷۵-۴۶۹۱

دورنگار: ۸۸۳۰۲۴۸۵

تلفن: ۸۸۳۱۵۲۳۷، ۸۸۸۲۱۳۶۴

تلفن های فروش: ۸۸۸۴۹۴۶۱، ۰۹۳۵۲۴۷۹۸۴۷

فروش الکترونیک: www.lahzeh-ketab.com

پست الکترونیک: lahzeh1386@gmail.com

• پخش مرکزی: تهران، میدان انقلاب، خیابان ۱۲ فروردین، نبش خیابان شهید وحید نظری، شماره ۲۵۵.

دورنگار: ۷۶۹۵۰۱۴۶

تلفن: ۰۹۱۲۲۱۷۷۶۴۷، ۶۶۴۱۷۵۳۲

یادداشت

شاید به ندرت بتوان هنری یافت که به اندازه معماری با زندگی مردم پیوند داشته باشد. هنر معماری از بارزترین جلوه‌های فرهنگ هر قوم و هر دوره تاریخی و نشان‌دهنده فضای زیست آدمی است.

هدف از انتشار مجموعه «فرهنگ و معماری» فراهم آوردن زمینه‌ای مناسب برای توجه به هویت و فرهنگ ایرانی در عرصه هنر معماری و شهرسازی است تا ضمن شناخت و حرفی خصوصیات معماری و شهرسازی سنتی و مفاهیم نهفته در آن، بتوان در مسیر کشف ماهیم و ارتقای این هنر و ساماندهی ساخت و ساز و معماری فضای کار و زندگی، ر کثیر گام‌هایی اصولی و مؤثر برداشت.

از آن‌جا که آثار معماری، مانند بانیای تاریخی، فضاهای شهری و جز آن با گذشت ایام، به دست طبیعت و نیز به دست بشر در معرض فرسودگی و ویرانی هستند، کوشش می‌شود با فراهم آوردن و انتشار متن‌های پژوهشی و اسناد مصور و مستند در این مجموعه، بخش مهمی از فرهنگ شهر تا برای ممکن، از گزند فراموشی مصون بماند. طبیعی است آن دسته از آثاری که با زندگی مردم ساکن در کشورمان پیوندهای نزدیک‌تری دارند در کانون توجه این مجموعه هستند.

معماری تجسم فرهنگ و هنر هر قومی در هر عصر و یک ذات معین در گستره تاریخ بشر است. معماری جوهره‌ای ترکیب شده از ذوق، مهارت، سلیقه، قدرت فکر، خلاقیت و از همه مهم‌تر هستی‌شناسی و فلسفه زیستی انسان‌ها در زمان‌ها، مکان‌هاست و بناهای ارزشمند برجای مانده از این جوهره ترکیبی، حاصل زندگی و تلاش‌های معمار فیلسوفانی است که همه خود را در آثارشان تجسم بخشیده‌اند و با آن زبان سخن می‌گویند. کتاب حاضر تلاشی است برای طرح این بحث که: امروزه دیگر نمی‌توان سخن از «معماری» گفت و زیرنقش فلسفی آن را نادیده گرفت و معمار هنرمند و دانا، آن است که در کنار یک اهل فلسفه یا خود با شناخت فلسفی از عالم، طرحی نو را درمی‌اندازد.

امید است با همکاری همه علاقه‌مندان بتوان تصویر روشن و مستندی از پیوندهای فرهنگ و معماری در این مجموعه به دست داد. به گونه‌ای که برای راهگشایان و نوآوران قلمروی خلاق فرهنگ الهام‌بخش و برای پژوهندگان و جویندگان دانش وسیله‌ای برای آموزش و پژوهش باشد.

دفتر پژوهشهای فرهنگی

فهرست مطالب

۱۱	مقدمه
۱۵	فصل ۱: شعور فضا و مکان در معماری ایرانی
۱۵	مکان چیست؟
۱۹	معماری و دانش مکان
۲۲	معماری؛ هنر ساختن فضا
۲۴	صورت‌سازی مکان فضا
۲۶	فضای طبیعی، فضای معماری
۲۸	هنده و فضای معماری
۳۰	شعور مکانی تاریخ انسانی
۳۲	اگزستانس خانه
۳۵	شعور جهانی معماری شرقی
۳۸	شعور شرقی معماری ایرانی
۴۱	شعور تاریخی معماری ایرانی
۵۱	واماندگی شعور معماری ایرانی
۵۵	پرسش از هویت
۵۵	تطابق‌پذیری در مکان‌یابی بناهای شهر

حس متعالی مکان و فضای متعالی
نگاه ما به تاریخ معماری
نورنگاری در معماری

فصل دوم: شعور فضایی و اندیشه تاریخی در معماری ایرانی

مقدمه

شیوه‌های معماری ایرانی

شیوه پارتی (اشکانیان)

شیوه خراسانی

شیوه رازی

شیوه آذری

شیوه اصفهانی

ترتیب تاریخی در این کتاب

دوره باستانی پیش از اسلام

سلسله‌های سده‌های میانی بعد از اسلام

دوران معاصر اولیه

دوران معاصر متأخر

دوران معاصر متقدم

فصل سوم: اجزای درونی در شعور معماری ایرانی

عناصر ساده تشکیل دهنده صورت کلی

حجره ساده

دیوار

ورودی، در، هشتی

پیش‌تاق‌ها و سردرها

صحن و حیاط

ماهیت و ساخت تاریخی ایران

رواق

مقصوره

۱۰۲	تالار شاه‌نشین دار (جماعت‌خانه، شبستان، زمستان‌نشین)
۱۰۳	بادگیر
۱۰۴	پنجره
۱۰۴	قوس
۱۰۴	طاق
۱۰۷	محراب
۱۰۹	مهرابه
۱۱۴	منبر
۱۱۶	تشکل عنصری ساده
۱۱۸	گنبد
۱۲۸	مناره
۱۳۵	برج
۱۳۸	شبستان

فصل چهارم: کل بیرونی در شعور معماری ایرانی

۱۴۱	استحکامات بیرونی شهر
۱۴۱	قلعه‌ها
۱۴۲	دوره‌های پیش از اسلام
۱۴۵	ساخته‌های سده‌های میانی بعد از اسلام
۱۴۸	دوران معاصر متأخر
۱۴۹	برج‌ها، باروها، حصارها، دروازه‌ها
۱۵۷	ارگ تاریخی تهران
۱۵۸	شهرها
۱۵۸	تصویر آرمانی شهرسازی
۱۵۹	عوامل مؤثر در شکل‌گیری شهرهای ایران
۱۶۱	شهرهای دوره باستان
۱۶۷	شهرهای دوره اسلامی
۱۸۵	کاخ‌ها
۲۰۲	خانه‌ها

مراکز دینی - عبادی

بعضی اماکن عمومی

فصل پنجم: وحدت نور و تزئینات

نور و ماده در هنرورزی

هنر تزئین ایرانی در معماری

فناوری مصالح و شیوه‌های پیش‌ساخته تزئینی

خاک و خشت و هنر

ر کاشی‌کاری

هنر گچ

چوب

سنگ

خط

شبشه

آینه و آینه‌کاری

رنگ

تزئینات مرکب

شیوه‌های مهندسی تزئینات

گنبدهای دوبرش در حکم عنصری تزئینی

کتابنامه

مقدمه

اینجانب معماری را از طریق فلسفه آموخادم و خود هیچ‌گاه یک معمار عملی نبوده‌ام. علاقه فلسفی به مفهوم مکان و فضای فلسفی مرا به یکر حوزه‌های علوم نظری و عملی، که به نحوی با مفهوم مکان و فضا سروکار دارند، کشاند. جغرافیا در بخش علوم نظری و معماری در بخش علوم عملی یا هنرها از آن جمله بود. آنچه معماری را ریش از دیگر دانش‌ها برای من جالب می‌کرد قدرت تسخیر فضا با ایجاد صورت‌های فضایی و مکانی در این دانش بود. از این منظر، معماری هنری در کنار هنرهای دیگر نیست بلکه اصیل‌ترین هنر و فن به حساب می‌آید، چراکه با بسیط‌ترین مفهوم جوهر، یعنی مکان، سروکار دارد.

غایت یک فضای ساخته‌شده درونی، مانند یک شبستان، نسبت به مساحت و مساحت خود آن فضای ساخته‌شده نهفته است. هیچ فضایی نسبت به فضای دیگر زائد نیست، چنانچه یک عمارت در کلیت آن معقول است. البته هر فضا و مکان ساخته‌شده‌ای ویژگی‌ها و مرجع‌هایی دارد، اما این ویژگی‌ها اکثراً نسبت به فضایی دیگر شناخته نمی‌شود، بلکه اصالتاً امری درون‌فضایی است.

مکان، اصولاً، شرف و تعین خود را در خود آن مکان دارد و در حقیقت شرف مکین به مکان است. در برابر، هیچ مکانی در مقام مقایسه فروتر نیست، بلکه به‌راستی نیکو چنان است که مکان مکان اخص باشد.

البته ذاتی بودن شرف یا نخست مکان در مطالعات معماری به معنی نادیده گرفتن دیگر

ویژگی‌هایی نیست که در مکان ساخته‌شده ذاتی و طبیعی است. هر عمارتی برخوردار از نظامی مبتنی بر عملکردهای ذاتی اجزا و قواعد و قوانینی است که دیگر احتمال‌ها را منتفی می‌کند.

احتمال‌های دیگری که به نظام عمارت آسیب می‌رساند و وجود آن را در معرض خطر قرار می‌دهد، با آن‌که می‌تواند خالی از سود هم نباشد، مربوط به وضع مکانی قسمت‌های مختلف یک عمارت نسبت به یکدیگر است. جای هر قسمت را بدون دلیل و توجیه نمی‌توان با جایی دیگر عوض کرد.

معالجات فلسفی درباره مکان، که تشخیص واقعی از آن اوست، آن را به‌مثابه امری یگانه و سبک می‌نگرد. این حقیقت که به‌راستی درک مکان از درک تشخیص مکانی جدایی‌ناپذیر است و این‌که مکان هر جا باشد، یا مکان در همه جا، از تشخیص ذاتی برخوردار است، در دانش‌های غیرفلسفی از مکان، نظیر دانش معماری نیز، خود را نشان می‌دهد. بی‌دلیل و بی‌اساس نیست که معماری با خانه آغاز می‌شود و اولین ساخت معماری با خانه تحقق می‌یابد. خانه جایی است که بیش از هر مکان ساخته‌شده شخصی است. این صرفاً به معنی تأکید بر ویژگی‌های بسیار اندک خانه نیست، بلکه به تشخیص موضوع ساخته‌شده اشاره دارد.

خانه همواره تشخیص دارد و این تشخیص نه از آن‌روست که خانه به یک شخص تعلق دارد، بلکه خانه خود از یک تشخیص فضایی خاص برخوردار است؛ تا به آن حد که انسان با سکنی یافتن در خانه و با تشخیص آن خانه، تشخیص می‌یابد. انسان بدون خانه انسان بی‌تشخیص است.

وطن همان خانه ماست و خانه نیز همان وطن ماست. از این‌روست که دانستن سرنوشت خانه با دانش تاریخ معماری ایرانی پیوند دارد. تاریخ معماری که به سبک گذشت خانه ساخته‌شده می‌پردازد در کار مطالعه بنیادی خانه ساخته‌شده، حقیقت مهم وطن را آشکار می‌کند. از این‌رو، تاریخ معماری ایرانی بخشی اساسی از تاریخ ایران است و درک شعور تاریخی ایرانی بدون فهم معماری ایرانی همچون خانه‌ای بی‌اساس و بی‌بنیاد می‌نماید.

تاریخ معماری تنها تاریخی است که بخش‌های نظری آن تابع بخش‌های عملی است. از آن‌جا که بخش‌های نظری، یعنی کتب و طومارهای معماری ایرانی، بسیار نادر و کمیاب است، آثار موجود معماری بهترین و اولین و آخرین گزینه در مطالعه تاریخی بناها و ساختمان‌های ایرانی است.

اهمیت ظرافت و دقت و پختگی عملی کار معماری ایرانی را از آن‌جا می‌توان حدس زد

که معماران ایرانی بیش‌تر آثار خود را بدون رجوع به کتاب و قرطاس و طراحی‌های پیشین ساخته‌اند. بدین‌گونه، مجال کم‌ترین خطای محاسبه و اندازه‌گیری یا خطا در صورت و شکل وجود نداشته است.

یک اثر معماری کهن، مثلاً مسجدی هزار ساله مانند مسجد جامع اردستان، می‌تواند عمارت‌سی زنده به نظر آید. مردم می‌توانند در این مسجد چنان روزگاران کهن نماز بر پای دارند و نماز جماعت اقامه کنند. در چنین وضعیتی تمییز مطالعه تاریخی یک اثر از شناخت غیرتاریخی یا، متر بگوییم، از شناخت صرفاً معماری آن اثر جدا نیست. این وضعیت در مورد بسیاری از آثار تاریخی ایران صادق است، از این‌رو، تاریخ معماری ایرانی، تا آن‌جا که به این‌گونه آثار مربوط است، هم‌چنان بیانگر معماری‌ای زنده و پویاست.

این تاریخ صرفاً تاریخ اثر نیست که به مجموعه یا آرشیوی تاریخی تعلق دارند. «آثار گذشته» در معماری ایران تنها گذشته‌ای که برای همیشه رفته است دلالت نمی‌کند، بلکه این آثار هم‌چنان از حیث سمارد آثار زنده تلقی می‌شود.

دانش تاریخی معماری ایران صرفاً دربرگیرنده شناخت حقیقت گذشته‌های معماری نیست، بلکه می‌خواهد حقیقت برملا شده در فضای ساخته‌شده و صورت‌های فضایی را برملا سازد.

تفاوت اساسی معماری و فلسفه معماری در این است که فلسفه معماری یک ساختمان، مفهومی و نظری برای ساختمان‌ها و بناها و اشیای معماری وجود می‌آورد.

ما تاکنون کتابی درباره تاریخ مفاهیم و شعور معماری ایرانی نداشته‌ایم، گرچه آثار بسیاری درباره تاریخ آثار معماری و آثار تاریخی معماری تدوین شده است. ما کوششی فراگیر برای اندیشه دوباره تغییر و تحول در مفاهیم معماری و ادراک و دریافت مانی معماری این سرزمین نشده است.

جوهر یک اثر معماری زمانی دریافت می‌شود که صیورت اصول و مبانی، سازه‌ها و ساخته‌ها مورد مطالعه قرار گیرد. یک بنای معماری، که تاریخی نیز هست، همچون متنی باز به سوی آینده است، بنابراین، نمی‌توان گفت متن معماری در یک اثر یک‌بار برای همیشه اتفاق می‌افتد. آری، ویژگی‌های مادی و فیزیکی یک اثر، ساختمان یا یک بنا با دست شستن معمار از کار پایان می‌گیرد، اما بسته به سرنوشت مفاهیمی که در ساختمان آن به کار گرفته شده است، آن اثر هم‌چنان ناتمام می‌ماند.

ضرورت مطالعه تاریخی آثار معماری ایرانی نیز برخاسته از همین واقعیت است، نه این‌که بخواهیم یک نگاه تاریخی برای موضوعات، آثار، بناها و عناصر معماری، که غیرتاریخی است، به عاریه بگیریم؛ تاریخ از آثار تاریخی جداشدنی نیست.

تفاوت تاریخ معماری با تاریخ دیگر علوم یا دیگر هنرها در این است که در تاریخ معماری گذشته و ماضی در اثر معماری حضور دارد. خطوط کوفی منقوش در محراب مسجد هم‌چنان‌که حاضر است تاریخی هم است. تاریخی بودن یک قطعه معماری مانع از حضور آن نیست. از سوی دیگر و به رغم ضرورت کلیت تاریخی که هگل در پدیدارشناسی روح عرضه می‌کند، تاریخ معماری بیانگر هیچ نوع ضرورت کلیت تاریخی نیست. ضرورت‌های مندرج در زوایای آثار معماری، به‌طور عام، به ضرورت‌های فضایی و مکانی بازمی‌گردد و از ضرورت‌های مکان‌شناسانه است نه زمان‌شناسانه. تاریخ‌نگاری در معماری جز معماری‌نگاری^۱ نیست.

پخته هم در مطالعه تاریخی معماری این است که «گذشته»، که اتفاق افتاده است، هم‌چنان حضور دارد. معیار منحصر به فردی برای تاریخ معماری در قیاس با تاریخ دیگر بخش‌ها فراهم می‌کند. حضور ساخته‌های معماری که زمانی دراز از ساختمان آنها گذشته است، موجب مشورت تاریک تاریخی در معماری از گسستگی‌های معمول در استنباط‌های گوناگون و حتی متفرق برخاسته از مطالعات اسناد، مقالات و کتاب‌ها متمایز شود. این‌جا دیگر تاریخ آن چیزی نیست که تنها مورخان از گفته‌های دیگران می‌نویسند، بلکه تاریخ آن چیزی است که فضای ساخته شده در یک مارت آن را عیان می‌کند. فضاهای ساخته‌شده اجازه نمی‌دهند هر داستانی را درباره آنها باور کنیم.

دکتر سیدموسی دیباج
استاد دانشگاه تهران